

مقدمه

سرزمین ایران در دوران قاجار به دلیل بی کفایتی پادشاهان وقت در مرزهای شمال غربی، شمال شرقی تجزیه گردید؛ در نتیجه قسمت زیادی از خاک این سرزمین جدا شد. اگر در قرار دادهای ترکمانچای و گلستان نبرد مستقیم دولت روسیه با قاجارها بود، در منطقه شمال شرق روسها با سیاست عمل کرده و با چشم پوشی و گاهی حمایت از حملات خانان و قبایل آسیای میانه به ایران بویژه خراسان، زمینه پذیرش قرارداد آخال را فراهم نمودند. نگارنده، در این مقال سعی می نماید پس از بیان مختصری از جغرافیای تاریخی خانان و قبایل آسیای مرکزی، به بررسی اوضاع همجوار پرداخته و نبردهایی که بین نیروهای ایرانی با خان نشین خبوه و ترکمنها در سالهای متمادی صورت گرفته، براساس منابع و مآخذ بررسی کرده و علت‌های شکست ارتش قاجار را ریشه یابی نموده و از همه مهم تر به علت‌های این حملات به ایران، می پردازد.

در جزئیات هم، نبرد سرنوشت ساز مرو را توصیف کرده و چگونگی شکست سنگین ارتش قاجار را روشن نموده و به بیان این نکته پرداخته که این شکست، چه نتایج ویرانگری به دنبال آورد و در پی آن، سرنوشت دهها هزار اسیر ایرانی اعم از نظامی و غیرنظامی در آسیای میانه چگونه رقم خورد و ناامنیهای شمال شرقی ایران تا چه دورانی ادامه یافت.

خانان آسیای میانه (مختصری از جغرافیای تاریخی) (خبوه)

خبوه، در سال ۱۶۱۸ ق.م. ۱۲۲۷ م. به دست مغولها تصرف شد. بتدریج اقوام از یک بر این خان نشین مسلط شدند. در سال ۱۲۹۰ ق. ۱۸۷۳ م. خبوه به تصرف نیروهای روسی درآمد و خان نشین خبوه، تحت الحمایه امپراتوری روسیه شد و رفته رفته نفوذ فرهنگی خود را در این منطقه گسترش داد.

بخارا

از شهرهای بسیار قدیمی منطقه ترکستان بود. خان نشین بخارا، در سال ۱۸۶۳ م. سرحدی تا خانان خوقند و کوه‌های بدخشان داشته، از طرف جنوب به رود جیحون و از سمت شمال به صحرای کبیر می رسید. اقوام از یک بر بخارا چون خبوه مسلط بودند. امیر و هسته مرکزی حاکمیت از آنان بود و تاجیکها، قرقیزها، ترکمنها، مروزیها، ایرانیها، هندوها و یهودیها، سایر اقوام مقیم بخارا را تشکیل می دادند که به امور بازرگانی و دیوانی می پرداختند. ایرانیهای بخارا، در صنعت و تجارت، موفقیت زیادی به دست آورده بودند.

(خوقند خقند) ۳

این شهر - که در نزدیکی فرغانه قرار داشت - در نیمه دوم قرن نوزدهم گرایشهایی به طرف خان خبوه پیدا کرد و حکام دو منطقه، علیه نیروهای روسی اقداماتی تدافعی انجام دادند و شکستهایی به آنها وارد ساختند؛ اما سرانجام دولت تزار موفق شد آق مسجد را از قلعه های مهم ساحل رود سیر دریا و سپس تاشکند را از شهرهای تابع خوقند در ۱۸۶۵ م. تصرف کند و از آن پس زمینه تحت الحمایه شدن خوقند به دست روسها فراهم شد.

سایر قبائل (ترکمنها)

ترکمنها در دوره مورد بحث شامل گولانها، ۵ تیموت، ۶ تکه، ۷ ساریق، ۸ سالور، ۹ و آساری ۱۰ می شدند و جدا از آنها، گروه دیگری تحت عنوان "قبایل مقدس" بودند که در شجره ترکمنها جای نداشتند. آنان، روحانیون مورد احترام و مقبول عامه مردم بودند و خود را از نسل خلفای راشدین می دانستند. ۱۱



برخوردهای نظامی دولت قاجار و خانان آسیای مرکزی

سید علی کریمی

ملکونوف (Malkonov)، سیاح روسی - که در سال ۱۸۶۰م/ ۱۲۷۷ق. به بررسی وضع ترکمنهای نواحی ایران و آسیای مرکزی پرداخته - محللهای اسکان آنها را از سواحل دریای خزر در جنوب تنگه "قرل سو" و پورتگاه "اویماقها" تا سرحد استرآباد (گذرگاه عموداریه) می‌داند و جمعیت آنها را در حدود ۲۷۳۳۰ ذکر می‌نماید. ۱۲

روابط دولت قاجار با خانان آسیای میانه

روابط دولت قاجار با خانان، تقریباً از دوران نادرشاه به بعد بسیار کم شده بود؛ ولی در دوران آقا محمدخان و فتحعلی شاه سپاهیان از اقوام صحراگرد این منطقه در خدمت آنها بودند و قسمتی از نیروهای نظامی دولت ایران را تشکیل می‌دادند؛ ولی به هر حال ادعای قاجارها بر مناطق شرق بویژه شهر مرو - که معمولاً حاکم آن را خراسانیها انتخاب می‌کردند، همچنان پابرجا بود.

سالهای اول سلطنت ناصرالدین شاه، سفیر خوارزمشاه (محمد شریف بای) به تهران آمد و از طرف امیرکبیر هم رضاقلی خان هدایت به عنوان سفیر و در حقیقت جهت ارزیابی قدرتهای منطقه، به خویوه اعزام شد. سفیر خان راه سید احمد نقیب بخارانی از بزرگان بخارا با کاروانی همراهی می‌کرده‌اند و در این هنگام فرستاده دوم خان خویوه یعنی "آنانباز محرم" در مسیر حرکت به طرف تهران، به آنان برخورد کرده بود. پس از ورود رضاقلی خان هدایت به خویوه، او هنگام ملاقات با خان خویوه (محمدامین خان ازبک)، تا آنجا که ممکن بوده، سعی کرده بود قدرت فراوان ناصرالدین شاه را به نظر او بیآورد. در جلسه‌ای این جوان بیست و دو ساله را اعلم‌ترین پادشاه زمانه نسبت به سران فرانسه، انگلیس و عثمانی دانسته و به او تذکر می‌دهد، چون روسها و اروپا در کمین خوارزم هستند، بهتر است اهالی این مناطق به پادشاه ایران رو کنند. ۱۳

هدایت پس از این نمایش سیاسی، در گزارش خود نقاط ضعف خانان شمال شرق را ذکر نموده و از آن جمله مطرح می‌کند که خانهای خویوه و بخارا با هم اختلاف دارند. از این رو فرستاده خان بخارا، توسط خویوه آنها غارت و اسیر گردیده بود. ۱۴

علتهای اختلاف دولت قاجار و خانان آسیای میانه

اختلافات مذهبی (سننی حنفی و شیعه اثنا عشری)

ملا شمس‌الدین، در اوائل قرن شانزدهم در آسیای مرکزی بر کافر بودن شیعیان فتوا داده بود که در زمان خود نوعی موضعگیری مذهبی در برابر دولت صفوی بود. این اختلافات به دوران قاجار انتقال یافت؛ زیرا وقتی رضاقلی خان هدایت به خویوه رفت، در مجلسی با حضور خان و رهبر مذهبی خویوه، با سؤالاتی در زمینه‌های تفکر غالیگری شیعه روبرو شد. ۱۶ از طرف دیگر در نظر دولت قاجاری، اهالی خویوه و سایر مناطق آسیای مرکزی از دایره اسلام خارج بودند. همان طور که خورموجی در قسمتی از کتاب حقایق الاخبار پس از رسیدن سر محمدامین خان خوارزمی به تهران نوشته است:

"با آنکه خان مزبور از زمره خوارج از دایره اسلام بود، سر او را در معبر اوتاق پایمال نعالش نفرمود. ۱۷"

ترکمنها و ایجاد ناامنی در ایالتهای مرزی ایران

چون خطر حمله تراکمه از دوران صفوی مطرح بود، در زمان شاه عباس اول، خندقی برای جلوگیری از حملات آنها در "اشرف" از کوه تادشت حفر

شد که هدایت آن را دیده بود، ۱۸ و همچنین ملکونوف در سفر خود به شمال ایران، از اثری که در دورانهای گذشته برای جلوگیری از حمله‌های ترکمنها باقی مانده بود، دیدن کرد. این اثر، دیواری از سنگ بود که از دامنه کوه تالبه دریا در نزدیکی قریه گلوگاه ساخته شده بود تا در هنگام حمله ترکمنها، مردم به آن پناه ببرند. ۱۹

با افزایش خطر مهاجمان آسیای مرکزی در دوره قاجار، حتی مردم استرآباد هم استحکامات خود را تعمیر کردند. مهاجمان ترکمنی - که هدایت را مورد حمله قرار داده بودند - اکثراً از قبایل یموتها و گولانها بودند و برخی دیگر چون ترکمنهای "اترک و قرقیچی" به شاه قاجار وفادار مانده و به کمک آنهاست که هدایت به سلامت به استرآباد رسیده بود. ۲۰

ملکونوف، سیاح روس، به گسترش سایه ترس و وحشت در منطقه استرآباد اشاره داشته و ذکر کرده است که: مردم این ناحیه از ترس با تفنگهای آماده حرکت می‌کنند و با تمام اینها توسط ترکمنها اسیر شده و به بردگی فروخته می‌شوند و چون به علت فقر از دادن وجه مورد نظر ترکمنها خودداری می‌کنند، بالاچار در بین آنها به صورت فلاکت باری باقی می‌مانند. ۲۱

همچنین در ۱۲۹۲ق. / ۱۸۷۵م. ترکمانان مرو و طرین، خراسان را تا استرآباد مورد تاخت و تاز قرار داده و انسان و حیوان را به غارت بردند. ۲۲ حتی دوده بعد از قرارداد آخال ۱۸۸۱م. / ۱۲۹۹ق. نابسامانی و آشفتگی در منطقه وجود داشت. هنری موزر (Henry Moser) به حملات ترکمنهای یموت به چوپانهای شاهرود اشاره داشته که چند صد هزار از دامهای آنها را غارت کردند و سهام الدوله، حاکم بجنورد با کمک گولانها آنها را سرکوب کرده بودند. ۲۳ در زمان سفر سریرسی سایکس (General Sir Percy Molesworth Sykes) (۱۹۱۵-۱۹۰۵)، ترکمنها به رهبری فردی به نام ملاحق نفس در منطقه آق چانم پورت گولانها به کاروان او حمله کرده بودند. سایکس در ادامه افزوده است:

"آیرانها پس از تصرف گوگ تپه توسط روسها ۱۲۹۷ق. اظهار شادی کردند. روسها از طریق مشهد آذوقه مورد نیاز خود را تأمین کرده‌اند و در عوض با فشار آنها، ترکمنها از حمله به ایران خودداری و اسرای آنها را آزاد کنند. ۲۴ از این رو پس از انعقاد قرارداد آخال ۱۲۹۹ق.، ناصرالدین شاه به خدمتگزاران روس نشانهای همایونی اهدا کرد. ۲۵

حمایتهای معنوی عثمانی از خانان

باتوجه به اینکه مذهب مردم این منطقه سننی حنفی بود، گرایشهای آنها به دولت عثمانی از دوران صفوی وجود داشت. در زمان سفر وامبری (Vambéry Aminus)، سلطان قسطنطنیه را رئیس مذهب و خلیفه می‌دانستند. شاهزاده‌ها در هنگام به سلطنت رسیدن، خود را موظف می‌دیدند که سفیری فوق العاده به استانبول بفرستند و از این طریق کسب افتخار کنند. از طرف خلیفه عثمانی نیز القابی چون ساقی کبیر (خان خویوه)، رئیس و نگهبان مذهب (امیر بخارا) و (حسابدار) به خان خوقند اعطا و همچنین هدایایی برای آنها فرستاده می‌شد. در مقابل، فرمان مذهبی صاحب اختیار کل یعنی خلیفه عثمانی در این مناطق بخصوص خویوه و خوقند اطاعت می‌شد. ۲۶

حمایت روسها از خانان جهت گسترش قلمرو و دسترسی به

هندوستان

مطامع ارضی روسها، نه تنها از طریق جنوب بلکه متوجه شرق هم بود.



هندوستان ثروتمند چیزی نبود که آنها بتوانند از آن دست بردارند. پس از عهدنامه های ترکمانچای و گلستان، خان نشینهای منطقه آسیای مرکزی، هدفهای بعدی بود. این پیشروی در زمان رضاقلی هدایت تا صحرای سقر بود که به نقل از او حد فاصل خوارزمیان و روسها بود. ۲۷

روسها برای رسیدن به اهداف خود، جاسوسانی چون دکتر پاشنو (Pashino)، (Dr. علیخانوف و ملکونوف، به آسیای مرکزی و شمال ایران جهت بررسی اوضاع این مناطق اعزام می کردند.

ملکونوف در ۱۸۶۰ به دستور مؤسسه جغرافیایی روسیه به شمال ایران تا شرق دریای خزر فرستاده شد. او به بررسی دقیق ایالتهای شمالی (گیلان، مازندران، استرآباد) پرداخته و فواصل شهرها را از هم، منجمله مقدار زمانی که کشتی بخار از رشت تا استرآباد طی می کند، اشاره نموده، ۲۸ اوضاع اقتصادی نظامی را شرح داده و در ضمن، جمعیت این نواحی را ۲۷۹۶۰۰ تن تخمین زده است. ۲۹

دکتر پاشنو، مأمور وزارت خارجه روسیه در ایران ۱۸۶۱ م. ۱۲۷۷ ق. - که به اغلب زبانهای شرقی مسلط بود - پس از اینکه انگلیسیها و عثمانیها در ۱۸۷۷ م. / ۱۲۹۴ ق. از روسیه شکست خوردند، همراه با کلنل استولیتوف (C. Stavlitov) و کلنل کرديکوف (C. Kordicov) برای تحریک امیر شیر علی خان به افغانستان اعزام شدند و قبل از این مأموریت هم در سال ۱۸۶۶ م. / ۱۲۸۳ ق. به هنگام پیشروی روسها به تاشکند، به آسیای مرکزی فرستاده شده بودند. او مدتی به طور ناشناس به عنوان پزشک مخصوص خانهای منطقه، موقعیت مناسبی به دست آورد و بعدها به طور مخفیانه به هندوستان مسافرتهایی کرد. ۳۰

مقصود علی خان داغستانی (علیخانوف)، جاسوس دیگر روسها بود که چون با اهالی منطقه ترکستان آشنا بود و نواحی را خوب می شناخت، در سال ۱۸۸۲ م. / ۱۲۹۹ ق. به اتفاق تاجری ارمنی به مرو رفت نقشه راه و قلعه شهر را ترسیم کرد و مخدوم قلی خان را از افراد بانفوذ شهر، تشویق به رفتن به مسکو کرد. او هم پس از سفر و پذیرایی شاهانه ای که از وی شد، گرایش به روسیه پیدا کرد و ریش سفیدان را تشویق به همکاری با روسها نمود. از آن طرف، روسها - که تا ۱۸۸۱ م. حدود ۲۳۰ کیلومتر راه آهن در ماوراءالنهر کشیده بودند - به اعزام نیرو پرداختند و علیخانوف و مخدوم قلی خان هم از داخل شهر زمینه تسلیم آن را به روسها فراهم آوردند. ۳۱

مطامع روسها، به آخال و تصرف مرو ختم نشد بلکه با ایجاد تحریک و اغتشاش، سعی در دستیابی به شمال ایران هم داشتند؛ چنانچه مک کرگر (Colonel. C.M. Mac. Cragor) به آنها خرده می گیرد که چرا در خان نشینهای دست نشاندۀ خیوه، بخارا و خوقند، برده داری را ممنوع نمی کنند تا حملات ترکمنها خاتمه یابد. ۳۲

اعزام نیروهای کرد به منطقه شمال شرق

شاه عباس اول (۱۰۳۸-۱۶۲۸/۱۶۲۸-۱۵۸۷) برای جلوگیری از حملات ازبکان و ترکمنها، قبایل جنگجوی کرد را از غرب به شمال شرق انتقال داد و پنج ولایت کردنشین از استرآباد تا چناران تشکیل داد که بجنورد و قوچان و درگز جزو این مناطق بود. ۳۳ در زمان ناصرالدین شاه هم عده ای از اقوام کرد در شمال شرقی اسکان یافتند. موزر در این زمینه نوشته است:

«علیحضرت اقدس پادشاه ایران، آنها را به واسطه نزاع دائمی که درباب مذهب داشتند، از کردستان، وطن خودشان بیرون کرد و از سرحد عثمانی به

مازندران فرستاد و بعد به صفحات سرحدیه ترکستان روانه نمود. به این وضع، آنها به جهت ساکنین آرام خراسان اسباب دفاع هستند. این فقره بنا به صرفه احوال ممالک ایران است. در مقابل حملات تراکمه، کردها به ازای اسرابی که از آنها به دست می آورند، از پادشاه ایران ابرای اهر اسیر ذکور پنج اسب و برای هر سر، یکصد قران جایزه می گیرند.»

از این رو، گاهی عده ای از قبایل بیگانه ترکمن هم به دست آنها قتل عام یا غارت می شد. موزر افزوده است:

«پس از تسلط روسها بر منطقه آسیای مرکزی، اکراد از اعتباری که داشتند، افتاده، آنها که قبلاً احکامی را که از تهران می رسید مسخره می کردند و مالیات نمی دادند؛ چرا که می گفتند، آن را صرف نگهداری سواران کرد می کنند. با قرارداد آخال، دولت قاجار بر این مناطق هم اقتدار یافته، ۳۴ در نتیجه مالیات خراسان را یک پنجم بیش تر نموده است.» ۳۵

ظلم و ستم حکام و رسم گروگانکشی

حکام ایالت مرزی ایران هم همانند این قبایل کرد، از ظلم و ستم به مردم خودداری نمی کردند. آنها در زمانی که دارای قدرت بودند، به حملات خود به ترکمنها می پرداختند و اموال آنها را غارت و زنان و فرزندانشان را اسیر می کردند. ۳۶ رسم گروگانکشی - که قانون حکومتی در منطقه شده بود - موجب گردید که عده ای از بزرگان مرو در ۱۲۶۸ ق. پس از شکست محمدامین خوارزمی، قرار گذاشتند که هشتاد خانوار از آنان برای گروگان به مشهد اعزام شوند. ۳۷ همچنین پس از نبرد ۱۲۷۶ ق.، سالوارها تعهد نمودند که در ازای صلح، گروگان بدهند. ۳۸

همزمان با گرفتاریهایی که ایران در شمال شرق در برابر خانان خیوه و

بخارا، تراکمه تکه و غیره داشت، در شرق ایران هم حتی پس از عهدنامه پاریس (۱۷۶۳)، امیر دوست محمد خان حاکم کابل و قندهار به فراه، سبزوار حملاتی کرد که به آشفته شدن اوضاع افزود. از طرفی حکومت خراسان پس از حشمت الدوله در طی ۲۷ سال (۱۳۰۸-۱۲۸۱) هفت بار دست به دست شد و به دست افراد نالایقی چون سلطان حسین میرزا جلال الدوله افتاد و تنها از این میان شهاب الملک نظام الدوله - که از ۱۲۹۵-۱۲۸۵ حاکم خراسان بود - در سرکوبی ترکمنها تاحدی موفق بود. ۴۰

ارتش ایران از دیدگاه کلی (۱۳۰۰-۱۲۶۸)

اوضاع نظامی در دوران قاجار، سر و سامان نداشت. تلاشهای عباس میرزا برای تأسیس کارخانه های مهمات سازی و اسلحه سازی و سازماندهی ارتش بجز دوران اندک زمامداری امیر کبیر، ادامه نیافت. فون هنریش کارل بروگش (Von Heinrich Karl Brugsch)، سیاح آلمانی در ۱۸۶۰م، بسیار جالب این ارتش را توصیف کرده است:

وضع نظامیها و سربازها، از همه طبقات بدتر و تأسف آورتر است. سربازان ایرانی را معمولاً از خانواده های بی بضاعت و ضعیف شهر و دهات می گیرند. خانواده آنها، پولی ندارند که به عنوان رشوه بدهند و فرزندان خود را از خدمت سربازی - که واقعاً تأثیر آور است - رهایی بخشند. این افراد، محکومند تمام عمر را چه در زمان جنگ و چه در زمان صلح، سرباز بمانند. آنها در حالی که لباسهای بدو پاره به تن دارند، لباس نواز دولت دریافت نمی کنند و گاهی اوقات کفش هم به پا ندارند و از همه مهم تر، اسلحه خوبی نیز در اختیارشان قرار نمی دهند. حقوق و دستمزدی نمی گیرند. البته پول و دستمزد سربازان از طرف شاه و از صندوق دولت داده می شود، ولی آن قدر این پول دست به دست می شود و در این میان تحلیل می رود که چیزی برای سربازان باقی نمی ماند. بنابراین سربازان ناچار می شوند به کارهای پست و خلاف شئون خود تن در دهند تا پولی برای سیر کردن شکمشان به دست آورند. بدبختی این است که برای کسب اجازه این کار، ناچارند این دستمزد خود را هم به افسرانشان بدهند. این است که در کوی و بازار، سربازان زیادی را می توان مشاهده کرد که در دکانهای نجاری، آهنگری و یا آشپزی مشغول کارند. مستشاران خارجی که در ارتش ایران خدمت می کنند، متفق القولند که سربازان ایرانی دارای کلیه مشخصات و خصوصیات یک سرباز خوب هستند. آنها بالاراده، مطیع، آموزش پذیر و کنجکاو هستند و از نظر پایداری و مقاومت و تحمل شدانند، از سربازان همه کشورهای برتر می باشند. اما بدبختی بزرگ این است که این سربازان، تحت فرماندهی افسرانی قرار دارند که مشخصات و خصوصیات آنها کاملاً متفاوت از سربازان است. این مستشاران، معتقدند که تا موقعی که سربازان اجازه پیدا نکنند بر اثر کاردانی و لیاقت و آموزش دیدن به درجه افسری ارتقا پیدا کنند، وضع ارتش ایران اصلاح نخواهد شد. زیرا در حال حاضر، افسران کسانی هستند که درجات خود را با دادن پول و رشوه و هدایا به دست آورده اند، یا آنکه شاهزادگانی هستند که در سنین کودکی درجه ژنرالی و سرتیپی گرفته اند و از این افراد چگونگی می توان انتظار خدمت به مملکت و فرماندهی سربازان را داشت. ۴۱

در منطقه شمال شرق، اوضاع نظامی آشفته تر بود. کلنل مک کرگر ۱۸۷۵م، افسر مستعمراتی انگلستان که پانزده سال بعد از بروگش به ایران آمده بود، از ضعف قوای نظامی و تأثیر آن بر افزایش ترس و وحشت در منطقه چنین یاد کرده است:

تنها دلیل حملات ترکمنها و ناامنی در این منطقه، این است که بین هرات و مشهد سپاهی با هزار سوار است که زندگی را به یهودگی می گذرانند و بی فایده گاهی ترکمنها را دنبال می کنند. چرا که نه نقشه و نه فرمانده نظامی درستی و نه آرایش نظامی دارند. هر کدام از سرکرده ها (ده، بیست، پنجاه، صد نفری) تحت امر رئیس خود عمل می کنند. گاهی به خاطر یک شایعه، پنجاه مایل اسب می تازند و گاهی که اقدام عملی لازم است، بیکار در خانه قلیان می کشند. او در ضمن افزوده است، در صورت غلبه بر ترکمنان تکه، کوکلانها و آفالیها هم تسلیم می شوند. ۴۲

برخورد نظامی دولت قاجار با خان خیوه (۱۲۶۸) نبرد مرو

سال ۱۲۶۸، حرکتهای سیاسی و نظامی دو طرف توأمان در حال صورت گرفتن بود. در حالی که رضاقلی هدایت از سوی تهران عازم خیوه بود و قبل از او فرستاده خان (محمد شریف بای) به ناصرالدین شاه اظهار ارادت می کرد، ترکمنها به حملات خود ادامه می دادند. در این ایام که بهادرخان دره جزئی - که از جانب دولت ایران در مرز و حکومت می کرد - در مقابل ترکمنها تن به شکست داد، مهاجمان جسارت بیش تری یافتند و نه تنها مرو بلکه تا حدود سبزوار پیشروی کردند. ۴۳

سرانجام سپاهیان خوارزم - که بیماری در میانشان شایع شد - ناچار به خیوه باز گشتند اما میر احمد خان جمشیدی را در قریاب (شش فرسنگی مرو) برای ادامه حملات باقی گذاشتند. با ادامه محاصره و فشار قحطی و بیماری در مرو، ریش سفیدان مروی - که قبلاً نسبت به نیروهای قاجاری راه خیانت را در پیش گرفته بودند - به نزد حسام السلطنه ۴۴ حاکم خراسان رفتند و تقاضای یاری کردند. حسام السلطنه هم اسماعیل خان میرینجه (برادر عباس قلی خان) را در رأس نیروها عازم مرو کرد. ۴۵ او در ابتدا به پیروزیهایی در برابر سپاهیان از یک دست یافت و میر احمد خان جمشیدی را مجبور به عقب نشینی کرد؛ اما به دلیل کار شکنی که در پی جایگزینی فریدون میرزا فرمانفرما به جای حسام السلطنه در خراسان علیه او صورت گرفت، تا چند ماه پس از تصرف مرو، آذوقه و نیروی کمکی دریافت نکرد. در نتیجه با شورش فرماندهان و سربازان خود در مرو روبرو شد و بناچار با پولی که هنگام حرکت از اعیان خراسان قرض کرده بود، موقتاً این حرکتهای خطر آفرین را مهار کرد. اما با گذشت زمان و نرسیدن کمک از خراسان و پایتخت، بیش تر نیروهایش ترک خدمت می کردند و نیروهای متمرد توپخانه را هم با خود بردند. سرانجام اسماعیل خان و اندک نیروهای باقیمانده اش به دست ازبکان اسیر شدند. وی پس از گذشت ده سال اسارت در خیوه، به تهران بازگشت و سرگذشت اسفبار خود را در کتاب خاطرات اسارت درج کرد. ۴۶

نبرد ۱۲۷۱

(برخورد نظامی دولت قاجار با خان خیوه در سرخس)

در سال ۱۲۷۱ق. محمد امین خان والی خوارزم، بر اساس قوانین مذهبی ترکستان، از ترکمنان سرخس زکات خواست ولی آنان، فرستاده او را کشتند. از این رو خان خیوه همراه با نیروهای حاکم "میمند" برای تشبیه آنان حرکت کرد. ازبکان مناطق دیگر هم به این سپاه پیوستند و در نزدیکی مرو موقتاً اردو زدند. اهالی سرخس از حاکم خراسان تقاضای کمک کردند. فرمانفرما، حسن خان سبزواری را با چهار صد نفر به سوی سرخس فرستاد؛ ولی قبل از رسیدن سپاه



اصلی خراسان، حسن خان به کمک اهالی به نبرد با ازبکان پرداخت و با رسیدن نیروهای کمکی، مهاجمان را شکست داد و محمدامین خان ازبک و چهارده نفر از بزرگان از جمله پسر خان میمند کشته شدند و سرهای بریده آنها به نزد ناصرالدین شاه فرستاده شد. ولی شاه دستور داد سر محمدامین خان در نزدیک دروازه دولت پس از غسل و کفن، دفن شود و بقعه‌ای بر روی آن بنا نمایند. ۴۷ نکته قابل توجه در شکست خان خیوه، مفید واقع شدن اطلاعات نظامی رضاقلی خان هدایت از توپخانه و نیروهای پیاده خان ازبک بود. ۴۸ پس از این نبرد، فریدون میرزا جهت ایجاد نظم به طرف مرو حرکت نمود و در حالی که پانصد سوار از تراکمه سرخس در رکاب او بودند، طوایف ساروق را وادار به اطاعت از حکومت خراسان کرد. ۴۹

برخورد نظامی دولت قاجار با ترکمنها یا جنگ مرو (۱۲۷۷ق./ ۱۸۶۰م.)

پس از نبردهای کم اهمیت ۱۲۷۵ و ۱۲۷۲، مهم ترین برخورد نظامی دولت قاجار و ترکمنها در ۱۲۷۷ به وقوع پیوست و تأثیر بسیار زیادی بر موقعیت ارتش قاجار در منطقه گذاشت که با استفاده از حقائق الاخبار ناصرلی و مقاله شرح وقایع جنگ مرو به بررسی آن می پردازیم. ۵۰

دولت قاجار پس از تصرف مرو به دست تراکمه، با اعزام سپاهی مرکب از شصت هزار نفر، ۲۷ عراده توپ و خمپاره به فرماندهی حمزه میرزا حشمت الدوله و قوام الدوله، طلایه داران سپاه، از مشهد به مرو حرکت کرد و پس از دادن تلفات و تحمل مشقاتی به نزدیکی مرو رسید. ۵۱ در ۲۸ ذی الحجه ۱۲۷۶ سپاه قاجار وارد قلعه شهر شد و ترکمنها از آنجا متواری شدند و به سوی ایل خود فراگریختند. ۵۲ نیروهای قاجاری هم پس از اقامت در شهر، دچار کمبود آذوقه شدند. آنان پس از مصرف گوشت گوسفندان با خوردن گوشت شتر و بروز مرض اسهال در لشکر، دچار ضعف عمومی گردیدند. از طرفی سپاه، در چنین شرایط به وقت گذرانی و در ماه محرم نیز با برگزاری مجالس، به عزاداری پرداختند. در حالی که ترکمنها با تقاضای کمک از قبایل اطراف، قوای خود را باسازی کردند. ۵۳

چون طایفه سالور با تراکمه تکه در جریان عملیات همدست بود، حشمت الدوله شش هزار سرباز پیاده، ده هزار سواره و چند عراده توپ برای تنبیه آنان به یورت طایفه (یل آتن) اعزام کرد که در جریان نبرد، فرمانده شجاع سواره چاردوئی (جعفر قلی خان) کشته شد ولی در نهایت، طایفه سالوار صلح کردند و گروگان دادند. ۵۴

سپاهیان قاجار در ۲۷ صفر ۱۲۷۷ با تعقیب عوامل اصلی (تراکمه تکه)، به محل اسکان آنان در "بسمندوک" و "خان گچن" حمله کردند. در این هنگام ریش سفیدان تصمیم به اطاعت از دولت گرفته و حاضر به فرستادن گروگان شدند ولی با این تقاضا که ولایت مرو را - که از قدیم محل زندگی ایل تکه بود - به آنها واگذار نمایند تا به کشت و کار در آنجا بپردازند. اما حشمت الدوله نپذیرفت و دستور داد بانلافهای اطراف را بپروراند و برای رعب و وحشت با توپخانه به محل اسکان خانوارهای تکه حمله کنند که عده‌ای کشته می شوند. متقابلاً ترکمنان تکه با استقرار در بلندیها و با استفاده از توپهایی که از خان خیوه غنیمت گرفته بودند، به آتشباران ایرانیها پاسخ داده، به عملیات پارتیزانی علیه آنها پرداختند، به گونه‌ای که از روز دوم ربیع الاول که سپاهیان قاجار برای تصرف "جیران تپه" حرکت کردند، به کمین ترکمنها افتادند و یکی از سرداران

خود را به نام "محمد حسن خان" همراه با صد نفر از دست دادند که تأثیر روانی بدی بر سپاه قاجار گذاشت و متقابلاً ترکمنها جری شدند و حتی پس از آتشباران شدید توپخانه بر سرشان، حملات خود را افزایش دادند و پس از ۱۲ ساعت نزدیک به هزار نفر از دو طرف کشته شدند. پس از مدتی کمبود علوفه، حشمت الدوله دسته‌های زبده‌ای برای به دست آوردن علوفه اعزام می کند ولی با کمین ترکمنها روبرو می شوند. لذا کم کم ترس بر سپاهش مستولی می شود و تصمیم به عقب نشینی می گیرد. زمینهای باتلاقی و نیزار و بی دقتی در نقشه فرار، تلفات سنگینی در زمینه نیرو و تجهیزات بر او وارد می کند. عقب نشینی به طرف "پنجده" به نتیجه نمی رسد چرا که آذوقه این ناحیه را ترکمنها از بین برده بودند. از این رو سپاه حشمت الدوله با تقریباً یک سوم نیروهای باقیمانده و در حالی که قسمت اعظم تجهیزات خود را از دست داده بود، از طریق تربت جام به مشهد می گریزد. ۵۵

خورموجی این شکست سنگین را چنین توجیه کرده است: "معلوم آمد که کارها در قبضه قدرت قادر قدیر است و محکوم حکم تقدیر. اگر چه وقوع سانحه، خسارتی تمام به لشکر اسلام آورد ولی تیس اول قاروه کسرفی الاسلام". اولین بار نیست که ضربه به سران مسلمان وارد می شود. معامله سلطان مسعود و امرای غزنویان با تراکمه سلجوقی در همین صحاری سرخس و مرو خراسان روی داد. ۵۶ ولی اگر علتهای اصلی این شکست بررسی شود، می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- ضعف فرماندهی شاهزاده حشمت الدوله و وزیر او قوام الدوله و نالایق بودن بیش تر افسران سپاه و بی اطلاع بودن آنها از امور نظامی (تک و پاتک و نقشه‌های جنگی).

۴- از بین رفتن و جهه ارتش ایران در منطقه، یکی از مهم ترین نتایج منفی این نبرد بود.

وامبری، سه سال بعد از این واقعه به این نکته اشاره کرده که وقتی ارتش دهها هزار نفری ایران از پنج هزار ترکمن شکست خورد، برتری آنان بر ارتش قاجار در منطقه ثابت شد. ۶۵

۵- بعد از این شکست، ترکمنها جرئت و جسارت بیش تری یافتند و به افزایش حملات خود پرداختند. آنان در روز روشن شهرهایی مانند استرآباد را مورد حمله قرار دادند. ۶۶ در این شهر حتی کنسول روس هم از ترس ترکمنها احساس امنیت نمی کرد. ۶۷ آنها در شهر اشرف به غارت گوسفند و اموال مردم و اسیر کردن دختران و زنان دست می زدند و روستائیان را وادار به دادن باج می کردند. ۶۸

در اواخر شوال ۱۲۷۷ق. سیصد نفر از ترکمنها به اطراف خواف حمله کردند که سپاهیان جامی، خرزوی و شاهسون آنها را شکست دادند و صد و پنجاه نفر از مهاجمان را اسیر کردند. ۶۹ همچنین در ۱۲۷۸ طویف ساروق و سالور به جام حمله ور شدند و به غارت کردن و اسیر کردن مردم پرداختند. سرانجام به دستور حسام السلطنه حاکم وقت خراسان، اسکندر خان سرتیپ فوج مراغه به تعقیب آنها پرداخته، اسرار آزاد و اموال را مسترد کرد.

در همین سال ترکمنهای عشق آباد و آخال به حومه قوچان حمله کردند. همچنین دو هزار نفر از آنها به فرماندهی "سعد و محمد شیخ" به زاوه و فریمان هجوم آورد که سپاهیان حسام السلطنه آنها را تار و مار کردند. ۷۰ پس از احضار حسام السلطنه در سال ۱۲۷۹ق. به تهران، مجدداً ترکمنها جسارت یافتند و به اطراف مشهد تاختند ولی از سپاه امیر حسین خان ایلخانی زعفرانلو شکست خوردند. ۷۱

این حملات بی دربی، موجب گسترش جو ترس و وحشت در بین مردم و سربازان شده بود؛ به طوری که در منطقه خراسان و استرآباد، آنها برای تسکین آلام خود به مصرف تریاک و حشیش روی آوردند. به طوری که این مواد افیونی در بین زنان نیز رواج یافته بود. ۷۲

این جو هول و هراس، نه تنها در مناطق شمال شرق بلکه به پایتخت هم سرایت کرده بود؛ چرا که پس از شکست سپاهیان قاجار در جنگ مرو، نگهبانان، دروازه های تهران را زودتر از همیشه می بستند ۷۳ و خندق اطراف شهر را عمیق تر کردند. ۷۴

۶- یکی دیگر از نتایج مهم این شکست، قحطی و گرسنگی بود. قیمت خواربار و بخصوص نان افزایش یافت. نان به حدی گران شد که هر من نان به بیش از ۲۰ شاهی می رسید. مردم دچار قحطی و حشمتناکی شده و دسته دسته از گرسنگی و در پی آن از مرض وبامی مردند. ۷۵ سرانجام زنان جلو کالسکه شاه را گرفتند و از او خواستند که به امور نان رسیدگی کند. به دنبال این جریان، ناصرالدین شاه فرمان قتل کلاتر تهران را صادر کرد و برخی از عاملان خرده پای گرانی را با بریدن گوش و بینی و زبان، مجازات نمود تا نان به یک من ۱۶ شاهی رسید. ۷۶

۷- تتهانکته مثبت شکست ایران در جنگ مرو؛ پس از این شکست مصیبت بار - که یکی از علت های اصلی آن استفاده از اسلحه های کهنه و قدیمی بود - ناصرالدین شاه دستور داد یک کارخانه تفنگ سازی در تهران تحت سرپرستی یک فرانسوی تأسیس گردد. لازم به ذکر است قبل از این اقدام، کامران میرزا نایب السلطنه، چون واسطه خرید اسلحه از کشورهای خارجی بود و از این

۲- جدا شدن "دره مرغاب" از خاک خراسان پس از عهدنامه پاریس که مهم ترین راه برای رسیدن به مرو بود، و از این رو سپاه ایران بناچار از سوی سرخس - که بسیار ناهموار و بی آب و علف بود - حرکت کرد. ۵۷

۳- تغییر یافتن مسیر رود تجن به دست ترکمنها و باتلاقی کردن راه عبور سپاهیان قاجار و یورش بردن به آنها در باتلاقیهای کذائی. ۵۸

۴- نبود فرماندهان لایق و تجهیزات روزآمد در سپاه ایران به رغم شجاعانه جنگیدن سربازان ایرانی؛ به گونه ای که بیش تر اسلحه های آنها کهنه و قدیمی و مربوط به سالهای ۱۸۱۵-۱۸۱۴ فرانسه بود ۵۹ و در مقابل، مسلح بودن ترکمنها به سلاح های نو و جدید که احتمال دارد روسها به آنان داده بوده باشند ۱۶۰

۵- کمبود توشه و علفه در سپاه قاجار از همان ابتدای ورود به مرو و کمبود مهمات پس از شکست نهایی در مقابل تراکمه تکه، که این مسئله به افزایش تلفات انجامید.

بر این علتهای، می توانستی و کند رفتاری سپاه قاجار را در مرو افزود که در محرم ۱۲۷۷، فرصت خوبی به سازماندهی دشمن داد و خود دچار کمبود بیش تری در زمینه آذوقه و علفه گردید.

نتایج شکست ۱۲۷۷ق/ ۱۸۶۰م.

۱- جنگ مرو منجر به کشته شدن و اسارت عده زیادی از سپاه ایرانی قاجار گردید. از سپاه شصت هزار نفری، عده قلیلی نزدیک به پانزده هزار نفر باقی ماندند و از ۲۷ عراده توپ، چهار عراده بازگردانده شد. افراد باقیمانده هم در مسیر به دام پانصد ترکمن ساروقی افتادند که با وعده و وعید آنها را راضی کردند تا به سپاه حمله نکنند و در ازای دریافت پول فراوان به آنها آذوقه بدهند.

سرانجام هنگام بازگشت روز چهارشنبه ۲۴ ربیع الاول، سربازی در اردوی "بازار" بایک نفر ترکمن ساروق بر سر بهای خریدار می کند. سرباز دست به اسلحه و ترکمنها هم دست به شمشیر می برند که سرباز فریاد می زند: "های ترکمن گلدی". سپاهیان قاجار، ناگهان از ترس پاره فرار گذاشته و در مسیر هم ۲۵۰۰ نفر اسیر داده و اموال و قورخانه سپاه را جا گذاشتند. در راه بازگشت سپاهیان بناچار به خوردن گوشت خوک و علف پرداختند و نزدیک به دویست نفر مردند تا اینکه به مشهد رسیدند. ۶۱

۲- شکست سپاه ایران از ترکمنها که موجب اسارت عده زیادی از افسران و سربازان ایرانی شد. ۶۲

۳- ترکمنها، برای آزادی اسرا مبلغ هنگفتی به عنوان خونبها دریافت کردند از آن جمله برای آزادی یک عکاس فرانسوی که جزو اسرا بود، تقاضای دو هزار تومان کردند و سرانجام سفارت فرانسه با دادن صد هزار فرانک به صاحب او - که قصابی از اهالی خیوه بود - وی را آزاد نمود. ۶۳ حسین قلی خان نظام در این زمینه نوشته است:

"صاحب منصبانی که در رکاب حمزه میرزا حشمت الدوله اسیر شده بودند یا افواج، هر کسی که بضاعتی داشت، از خانه خودشان پولی تهیه کرده و به خراسان فرستادند و به توسط حاج میرزا حسنعلی وزیر آستانه (قدس رضوی) از ترکمانان خریداری شدند و هر که پول نداشت، از میرزا حسنعلی قرض می کرد. برای یوسف خان افشار ارومیه ای آنقدر پول فرستادند که هم فوج افشار و هم خودش را خرید. مصطفی خان برادر سپهسالار میرزا محمد خان وزیر جنگ با پسرش اسیر بودند. خودش را شش هزار تومان حاج میرزا حسنعلی خرید ولی پسرش ماند و مرد. ۶۴

طریق منافعی به جیب می زد، از احداث این کارخانه جلوگیری می کرد. در این کارخانه، کارگران ایرانی توانستند تفنگهایی با دقت و ظرافت اسلحه های خارجی بسازند. ۷۷ بعدها کارخانه فشنگ سازی هم به آن اضافه گردید. ۷۸

سرانجام سمران سپاه

شاهزاده حمزه میرزا حشمت الدوله و میرزا محمد قوام الدوله، از امارت و وزارت خراسان معزول و به تهران احضار گردیدند و حسام السلطنه از فارس احضار شد و به حکومت خراسان رسید. ۷۹

حشمت الدوله و قوام الدوله در دادگاه نظامی محاکمه شدند. آنان با ذکر این جمله که "ما خواستیم ولی خدا نخواست"، بی کفایتی خود را به گردن قضا و قدر الهی گذاشته و از مرگ نجات یافتند؛ اما به ترتیب به سیصد هزار و صد و سی هزار سکه طلا جریمه محکوم شدند. ۸۰ ولی پس از مدتی بخشوده شدند؛ حمزه میرزا حاکم یزد شد و به میرزا محمد قوام الدوله، اتابگی و وزارت اصفهان داده شد. ۸۱ جندی بعد در سال ۱۲۸۹ ق. ناصرالدین شاه سپاه دیگری به فرماندهی حشمت الدوله برای سرکوب تر کمانان اعزام کرد. ۸۲

اسیران ایرانی در خانان آسیای میانه

بی کفایتی دولت قاجار و بخصوص حاکمان خراسان، موجب اسیر شدن عده زیادی از ایرانیان به دست ترکمنها گردیدند که به عنوان برده در بازارهای خانان فروخته می شدند و در حالی که از محل زندگی خود دور افتاده بودند، گاهی در غربت از دنیا می رفتند. رضاقلی خان هدایت در خوارزم (۱۲۶۸ ق. / ۱۸۵۱ م.) با اسیرانی برخورد کرد که سه سال تا پنجاه سال رنج اسارت کشیده و چشم به اقدامات دولت قاجار داشتند تا آنها را رها کند. ۸۳ رفتار ترکمنها با این اسرا بسیار دردناک بود. با این افراد از همان ابتدای اسارت، مانند حیوان برخورد می شد. اسیر را به دم اسب گره می زدند و با این حالت چند ساعت حتی چند روز متوالی می تاختند تا به جای خلوتی برسند تا از تعقیب نیروهای دولتی در امان باشند و معمولاً اگر کسی نمی توانست پایه پای سوار حرکت کند، کشته می شد. ۸۴ تازه پس از رسیدن به مقصد، دوران زندگی وحشتناک اسیر آغاز می شد. مهاجم فوری لباسهای او را با چند تکه کهنه پاره ترکمی - که بخشی قسمتی از بدنش را می پوشاند - عوض می کرد. پاهایش را در زنجیر قرار می دادند تا در هر قدمی که برمی داشت در میچهای مجر و حش احساس درد کند. در روزهای اول و حتی هفته های اول اسارت، او را در هنگام شب حلقه آهنی در گردن می انداختند و به میخ طویل ای متصل می ساختند. این اقدامات و حشیانه ادامه می یافت تا در بازار برده فروشی خیوه و بخارا به فروش رود یا خونیهایش پرداخت گردد. ۸۵

قیمت این بردگان بیچاره هم به پیشامدهای سیاسی و موقعیت ترکمنها بستگی داشت. وامیری هنگام عبور از بخارا نوشته است، حداکثر قیمت یک مرد بالغ کامل بین چهل تا پنجاه تیل (۸۰۰-۵۰۰ فرانک) بود و گاهی از این هم پایین تر می آمد. پس از شکست ۱۲۷۷ ق. به دلیل به اسارت درآمدن عده زیادی از سربازان ایرانی، بازارهای برده فروشی خیوه و بخارا از رونق افتاد. به طوری که یک برده سالم تا چهار تیل (پنجاه فرانک) خریداری می شد. ۸۷ با اعزام سربازان روس از طریق دریا و تسلط آنها در خانان، ۸۸ مردم ایران انتظار داشتند که اسرای آنان آزاد گردند و حملات ترکمنها خاتمه یابد. ولی باتوجه به اینکه روسها منافع بیش تری در خاک ایران مدنظر داشتند، برده داری

را در خیوه و بخارا به طور قاطعانه منع نکردند تا همچنان ناامنی در مناطق شمالی ایران ادامه یابد. ۸۹ سال ۱۲۹۲ تر کمانان در طرزن، چه چه، سبزینه و پشتکوه تاخت و تاز کردند. ۹۰

سرانجام میرزا سعیدخان مؤتمن الملک انصاری وزیر خارجه با نمایندگی روسیه وزیر مختار در محرم ۱۲۹۹ عهدنامه آخال را امضا کرد که براساس آن، ۳۴ قریه و آبادی از شمال شرق ایران به خاک روسیه منضم گردید. ۹۱ و در تهران هم به افسران و کارمندان روسی که در جریان انعقاد قرارداد آخال بودند، به دستور ناصرالدین شاه نشانهای دولتی داده شد. ۹۲ با اینکه در این قرارداد روسها تعهداتی در قبال حمله تراکمه داشتند، ولی حملات آنان به درگز، کلات و قوچان ادامه داشت و در طی آن اغنام و احشام زیادی به غارت می رفت و عده زیادی از زنان و دختران مرزنشینان به اسارت برده می شدند. ۹۳

حتی در اواخر دوران قاجار پس از انقلاب ۱۹۱۷ روسیه هم یکی از رهبران ترکمن به نام عثمان آخون - که در اثر حملات روسهای سرخ از ترکمنستان فراری شده بود - به ترکمن صحرای ایران آمد تا به ایجاد جمهوری در استرآباد بپردازد که به دست نیروهای رضاخان سرکوب گردید. ۹۴

ی نوشتها:

- ۱- هنری موزر: سفر به ترکستان و ایران، علی مترجم، به کوشش محمد گلبن، انتشارات سحر، چاپ اول، تهران ۲۵۳۶، صص ۲۱۰-۲۰۴.
- ۲- سفر به ترکستان و ایران، صص ۱۶۷-۱۵۳.
- ۳- سه شهر خیوه، بخارا و خوقند، همراه با شهرهای سمرقند، تاشکند و ترمذ، در حال حاضر جزو خاک ازبکستان است. (کتاب ازبکستان، وزارت خارجه، صص ۴۸-۲۵).
- ۴- سرهنگ اسماعیل میربنجه: خاطرات اسارت، به کوشش صفاءالدین تیرانیان، مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی، چاپ اول، تهران ۱۳۷۰، ص ۱۱۲.
- ۵- گو گلانه: خود را از نسل اغوز خان می دانستند و می گفتند دوازده گروه گولانهها: دو فرزند اغوز خان پدید آمده اند.
- ۶- یموتها، خود را از نسل یموت فرزند قلمی فرزند بردی، فرزند اغوز بیگ می دانستند. یموت، دارای سه پسر به نامهای قلی سمور (جد مشترک یموت گرگان) او تلی سمور (جد مشترک خیوه) و اوساق بود.
- ۷- تکه ها (تکه های خیوه و تکه های آخال که پس از عهدنامه آخال به ایران مهاجرت کردند) خود را از نسل تکه ابو که فرزند قره السلام فرزند بو قاخوزند اغوز بیگ می دانستند.
- ۸- ساریق، پنج گروهند که در خارج ایران و از نسل ساریق برادر تکه بوده اند.
- ۹- سالورها، این دسته از ترکمنها خود را از نسل سالور فرزند آق خان فرزند بو قاخوزند اغوز بیگ می دانند که اکنون در ترکمنستان و خراسان سکونت دارند.
- ۱۰- آرساریها، خود را از نسل ساری فرزند قلی حاجی برادر قلمی پدر یموت می دانند که به چند طایفه تقسیم می شوند و در حال حاضر در ترکمنستان ساکن هستند.
- ۱۱- دکتر محمد شریف کمالی و دکتر اصغر عسگری: ایرانیان ترکمن (پژوهشی در مردم شناسی و جمعیت شناسی)، انتشارات اساطیر، چاپ اول، تهران ۱۳۷۴، صص ۶۷-۵۸.
- ۱۲- ملکو نوف: سفرنامه ایران و روسیه، به کوشش محمد گلبن و فرامرز طالبی، انتشارات دنیای کتاب، چاپ اول، تهران ۱۳۶۳، صص ۲۰۴-۱۹۹.
- ۱۳- رضاقلی هدایت، سفرنامه خوارزم، به کوشش علی حصوری، انتشارات طهوری، چاپ اول، تهران ۱۳۵۶، صص ۶۴-۵۸.
- ۱۴- همان، ص ۵۴.
- ۱۵- آرمنوس وامیری: سیاحت درویش درویش در وختن در خانان آسیای میانه، ترجمه فتحعلی خواجی نوریان، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ پنجم، تهران ۱۳۷۴، ص ۲۵۹.
- ۱۶- سفرنامه خوارزم، ص ۶۶.
- ۱۷- محمد جعفر خورموجی: حقائق الاخبار (تاریخ قاجار)، به کوشش سید حسین خدیو جم، انتشارات نی، چاپ دوم، تهران ۱۳۶۳، ص ۱۴۶.
- ۱۸- سفرنامه خوارزم، صص ۳۶-۲۵.
- ۱۹- سفرنامه ایران و روسیه، ملکو نوف، صص ۱۳۴-۱۲۰.
- ۲۰- سفرنامه خوارزم، صص ۱۲۸-۱۱۸.

- ۲۱- سفرنامه ایران و روسیه، صص ۱۳۲-۱۳۴.
- ۲۲- سند شماره ۴ سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، گزارش به شاه در خصوص بی نظمی خراسان، شماره سند ۲۹۵۰۰۳۷۰، محل آرشیو ۲۱۷، آرا، شماره فیش ۰۰۰۵۰۴۱۳، تاریخ ۱۲۹۲.
- ۲۳- سفر به ترکستان و ایران، موزر، صص ۲۰۹-۱۹۱.
- ۲۴- ژنرال سرپرسی سایکس: سفرنامه سرپرسی سایکس یاده هزار میل در ایران، حسین سعادت نوری، انتشارات کتابخانه ابن سینا، چاپ دوم، تهران ۱۳۳۶، صص ۲۳-۲۱.
- ۲۵- سند شماره ۱ سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، اهدای نشان همایونی به خدمتگزاران روس در عهدنامه آخاله، شماره سند ۲۹۶۰۰۳۱۸۶، محل آرشیو ۸۱۲، آرا، شماره فیش ۰۰۰۶۰۰۲۲، تاریخ سند ۱۲۹۹ق.
- ۲۶- سیاحت درویش درویش در خانات آسیای میانه، صص ۵۲۰-۵۲۹.
- ۲۷- سفارتنامه خوارزم، صص ۴۸-۴۱.
- ۲۸- سفرنامه ایران و روسیه، ملکونوف، صص ۹۲-۸۳.
- ۲۹- همان، صص ۱۹۹-۱۹۵.
- ۳۰- پاشنوی، سفرنامه ترکستان (ماوراءالنهر)، ترجمه مادروس داوودخانف، به کوشش جمشید کیانفر، مؤسسه مطالعات تحقیقات فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۷۲.
- ۳۱- سیدعلی میرنیا، وقایع خاور ایران در دوره قاجار، انتشارات یارما، چاپ اول، تهران ۱۳۶۷، صص ۱۲۶-۱۲۲.
- ۳۲- کلنل سی. ام. مک کرگر: شرح سفری به ایالت خراسان، مترجم مجید مهدیزاده، انتشارات معاونت آستان قدس رضوی، مشهد ۱۳۶۶، ص ۴۶۱.
- ۳۳- بار تولد، تذکره جغرافیایی تاریخی، ترجمه حمزه سردادور (طالبزاده)، انتشارات توس، چاپ دوم، تهران ۱۳۵۸، ص ۱۲۱.
- ۳۴- سفر به ترکستان و ایران، موزر، صص ۱۹۴-۱۹۲.
- ۳۵- همان، ص ۲۲۱.
- ۳۶- سفرنامه ایران و روسیه، ملکونوف، ص ۲۱۰.
- ۳۷- همان، ص ۱۴۶.
- ۳۸- همان، صص ۲۶۰-۲۵۹.
- ۳۹- همان، ص ۲۹۸.
- ۴۰- وقایع خاور ایران در دوره قاجار، صص ۱۲۰-۱۱۲ و سند شماره ۴ به شماره ثبتی ۲۹۵۰۰۳۷۰، محل آرشیو ۲۱۷، آرا، تاریخ سند ۱۲۹۲.
- ۴۱- هنرپیش بروگش، سفری به دربار سلطان صاحبقران، ترجمه مهندس کر دیچه، انتشارات اطلاعات، چاپ اول، تهران ۱۳۶۷، صص ۱۸۶ و ۱۸۷.
- ۴۲- شرح سفری به ایالت خراسان، مک کرگر، صص ۲۴۰-۲۳۹.
- ۴۳- سفارتنامه خوارزم، صص ۱۲۲-۱۳۹.
- ۴۴- سلطان مراد میرزا حسام السلطنه پسر سیزدهم عباس میرزا متولد ۱۲۳۳ق. که به دستور امیرکبیر در سال ۱۲۶۵/۱۸۵۰ به حکومت خراسان منصوب شد. او با تصرف مشهد و اعدام حسن خان سالار، در خراسان مستقر گردید ولی در سال ۱۲۷۰ق. حکومت خراسان به فریدون میرزا، برادر اعیانی او محول گردید و پس از فوت او، مجدداً حسام السلطنه حکومت خراسان را به دست گرفت. او، جزو همراهان ناصرالدین شاه در سفر به اروپا بود و سرانجام در ۱۸۹۹م. فوت کرد. (فرهنگ رجالی قاجار، چرچیل، غلامحسین میرزا صالح، چاپ اول، صص ۶۲ و ۶۳).
- ۴۵- حقائق الاخبار: ص ۱۱۲.
- ۴۶- خاطرات اسارت: صص ۸۰-۶۲.
- ۴۷- حقائق الاخبار: صص ۱۴۶-۱۴۴.
- ۴۸- سفارتنامه خوارزم: ص ۱۱۵.
- ۴۹- حقائق الاخبار: ص ۱۴۶.
- ۵۰- تاریخچه جنگ مرو (گزارش محمدعلی حسینی وقایع نگار قشون خراسان) بررسیهای تاریخی، سرهنگ خنجی شهیدی، سال ششم، شماره یک (صص ۶۴-۳۳) و شماره دو (صص ۵۲-۲۱).
- ۵۱- وقایع خاور ایران: ص ۹۳.
- ۵۲- حقائق الاخبار: ص ۲۵۹.
- ۵۳- وقایع خاور ایران: ص ۹۲.
- ۵۴- حقائق الاخبار: صص ۲۶۰-۲۵۹.
- ۵۵- وقایع خاور ایران در دوره قاجار: صص ۱۰۶-۹۵.
- ۵۶- حقائق الاخبار: ص ۲۶۳.
- ۵۷- وقایع خاور ایران در دوره قاجار: ص ۹۲.
- ۵۸- همان: ص ۹۴.
- ۵۹- سفری به دربار سلطان صاحبقران: ص ۵۳۴.
- ۶۰- همان: ص ۵۶۴.
- ۶۱- وقایع خاور ایران در دوره قاجار: صص ۱۰۹-۱۰۶.
- ۶۲- سفری به دربار سلطان صاحبقران: ص ۵۰۹.
- ۶۳- همان: ص ۵۴۷.
- ۶۴- حسینی خان نظام السلطنه مافی، خاطرات و اسناد حسینی خان نظام السلطنه مافی، به کوشش مریم مافی، انتشارات تاریخ ایران، چاپ دوم، تهران ۱۳۶۲، ص ۳۴.
- ۶۵- سیاحت درویش درویش در خانات آسیای میانه: ص ۴۰۶.
- ۶۶- سفری به دربار سلطان صاحبقران: ص ۵۰۹، سند شماره ۴ به شماره ثبتی ۲۹۵۰۰۳۷۰، محل آرشیو ۲۱۷، آرا، تاریخ سند ۱۲۹۲.
- ۶۷- سفری به دربار سلطان صاحبقران: ص ۶۹۱.
- ۶۸- همان: ص ۷۰۱.
- ۶۹- حقائق الاخبار: ص ۲۶۴.
- ۷۰- همان: صص ۲۸۱-۲۸۰.
- ۷۱- همان: صص ۲۹۹-۲۹۸، سند شماره ۴ به شماره ثبتی ۲۹۵۰۰۳۷۰، محل آرشیو ۲۱۷، آرا، تاریخ سند ۱۲۹۲.
- ۷۲- سفر به ترکستان و ایران: ص ۲۲۵.
- ۷۳- سفری به دربار سلطان صاحبقران: ص ۵۳۴.
- ۷۴- سند شماره ۲، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، نامه صدر اعظم به شاه در خصوص حفر خندق تهران، شماره ثبتی سند ۲۹۵۰۰۲۵۹۹، محل آرشیو ۵۱۶۹۷، آرا، شماره فیش ۰۰۰۴۰۳۹۹۴، تاریخ سند ۱۲۸۹ق.
- ۷۵- سفری به دربار سلطان صاحبقران: ص ۵۴۷.
- ۷۶- همان: صص ۶۰۷-۶۰۰.
- ۷۷- همان: ص ۵۶۳.
- ۷۸- سفر به ترکستان و ایران: موزر، ص ۲۵۷.
- ۷۹- حقائق الاخبار: ص ۲۶۴.
- ۸۰- سفری به دربار سلطان صاحبقران: صص ۵۸۷-۵۸۶.
- ۸۱- حقائق الاخبار: ص ۲۸۵.
- ۸۲- سند شماره ۳، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، دستخط شاه در مورد جمع آوری قشون به سرکردگی حشمت الدوله جهت سرکوب ترکمانان، شماره ثبتی سند ۲۹۵۰۰۲۹۷۹، محل آرشیو ۲۸۱، آرا، شماره فیش ۰۰۰۴۰۷۷۴، تاریخ سند ۱۲۸۹ق.
- ۸۳- سفارتنامه خوارزم: صص ۵۵ و ۵۶.
- ۸۴- سیاحت درویش درویش در خانات آسیای میانه: ص ۴۰۶.
- ۸۵- همان: ص ۸۵.
- ۸۶- همان: ص ۲۶۰.
- ۸۷- سفرنامه ژنرال سرپرسی سایکس یاده هزار میل در ایران: ص ۱۸.
- ۸۸- سند شماره ۵، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، تذکره اف از خراسان، آمدن سربازان روس، به شماره ثبتی ۲۹۵۰۰۲۷۷۸، محل آرشیو ۱۸۷۸، آرا، شماره فیش ۰۰۰۴۰۵۷۳، تاریخ سند ۱۲۹۷ق.
- ۸۹- شرح سفری به ایالت خراسان: مک کرگر، ص ۲۶۱.
- ۹۰- سند شماره ۵، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، لزوم تقویت قشون و اعزام نیرو، شماره ثبتی سند ۲۹۵۰۰۲۸۱۶، محل آرشیو ۱۱۷، آرا، شماره فیش ۰۰۰۴۰۶۱۱، تاریخ سند ۱۲۹۷.
- ۹۱- وقایع خاور ایران در دوره قاجار: ص ۱۲۷.
- ۹۲- سند شماره ۱، شماره ثبتی سند ۲۹۶۰۰۳۱۸۶، محل آرشیو ۸۱۲، آرا.
- ۹۳- وقایع خاور ایران در دوره قاجار: ص ۱۳۹.
- ۹۴- ایرانیان ترکمن (پژوهشی در مردم شناسی و جمعیت شناسی): صص ۵۶-۵۵.

بزرگوار صاحب از برای درسی است که فایده بسیار دارد و در آنجا نیز که بزرگوار صاحب
 در این کتاب از برای شما هم در آنجا فایده بسیار دارد و در آنجا نیز که بزرگوار صاحب

در حق صاحبان وزارت خارجه دولت روس در...

درجه اول	درجه دوم
صاحبان وزارت خارجه دولت روس	صاحبان وزارت خارجه دولت روس
صاحبان وزارت خارجه دولت روس	صاحبان وزارت خارجه دولت روس

درجه سوم	درجه چهارم
صاحبان وزارت خارجه دولت روس	صاحبان وزارت خارجه دولت روس
صاحبان وزارت خارجه دولت روس	صاحبان وزارت خارجه دولت روس

در حق صاحبان وزارت خارجه دولت روس در...

درجه پنجم	درجه ششم
صاحبان وزارت خارجه دولت روس	صاحبان وزارت خارجه دولت روس
صاحبان وزارت خارجه دولت روس	صاحبان وزارت خارجه دولت روس

درجه هفتم
 در حق صاحبان وزارت خارجه دولت روس در...



Handwritten signature or initials in the bottom right corner.

Handwritten notes or a separate document on the right side of the page, written in Persian script.

تصدق با سحر و جادو از خود فرستاد
 انروز که بفرق سحر و جادو در این شهر نهاد
 سراسر افکار خیرت در باب سحر و جادو افکند
 طرکانه فاین مباح و صلاح در این وقت بود
 حقیقت الهیات ایستاد که امر و حکم از سحر
 و ایت الهیه برین سحر بر مانیه کلام بود
 لغایت کلمه تری که سحر و جادو است
 از حالت سحر الی وجه سحر که سحر است
 خلاصان و بصیرت که با سحر و جادو
 علی الهی در این علم فایده شده که ترک آن در
 حال اطمینان است که سحر و جادو از زمین
 نهاده است و کلام سحر و جادو از سحر و جادو
 حال اطمینان که سحر و جادو از سحر و جادو
 و اسرار الهیه که سحر و جادو از سحر و جادو

که این اطمینان از نفس الهی است و با سحر و جادو
 تا سحر و جادو در این شهر نهاد
 نیست در صورتی که این شهر شهر است
 اعتماد نکنند و با سحر و جادو
 فایده سحر و جادو است و از سحر و جادو
 ترکان و وطن سحر و جادو
 چنانچه سحر و جادو در این شهر
 سحر و جادو در این شهر است
 از سحر و جادو که سحر و جادو
 و الزام سحر و جادو
 بنظم طبع او و سحر و جادو
 که سحر و جادو در این شهر
 سحر و جادو در این شهر
 از سحر و جادو که سحر و جادو
 سحر و جادو در این شهر
 که سحر و جادو در این شهر

اسرار و جادو



کتابخانه ملی و اسناد ملی ایران

شماره کتابخانه ۱۳۹۶

شماره سند ۱۳۹۶

از شهر تهران

نوع	عدد کلمات	تاریخ اصل مطلب		اطلاعات
		روز	ساعت دقیقه	

فهرست کتابخانه ملی و اسناد ملی ایران، روزنامه فراموشی که عرض نمود حضرت امام خمینی از دست دادند و در حرکت دادن آن در
 دریاچه موجود در بندر قوه و جهت آوردن آن در تهران و باقی ماندن آن در بندر قوه و جهت باقی ماندن آن در بندر قوه و جهت
 این جان غیر متعلق از آن است که در تهران و شهرستان و در آن قسمها موجود و در دست یک بنده ضعیف از آن مکان باقی ماند
 چه چنانکه و آن در دست آورد و آن نیز در تهران و در آن قسمها موجود و در دست یک بنده ضعیف از آن مکان باقی ماند
 در این باره و آن در دست آورد و آن نیز در تهران و در آن قسمها موجود و در دست یک بنده ضعیف از آن مکان باقی ماند
 منتظر فرستادن آن که در آن یک بنده ضعیف و در دست یک بنده ضعیف از آن مکان باقی ماند
 و حضرت امام خمینی که در آن در دست آورد و آن نیز در تهران و در آن قسمها موجود و در دست یک بنده ضعیف از آن مکان باقی ماند



مجموعه اسناد و کتابخانه ملی ایران

کتابخانه ملی و اسناد ملی ایران	شماره سند ۱۳۹۶
شماره کتابخانه ۱۳۹۶	شماره سند ۱۳۹۶



اداره کتابخانه و اسناد ملی ایران

مركز: اداره جنرال

تاریخ: ۱۳ شهریور ۱۳۲۶

اذ: رضوانی بن طهران

ممنوع	عدد کلمات	تاریخ استلام طلب			املا خان
		روز	ساعت	دقیقه	

جناب آقای دکتر سید زین العابدین سید علی حسینی در بیان این کتاب که در کتابخانه ملی ایران موجود است و در این کتاب
 در باب اول در بیان تاریخ و احوال و در بیان این کتاب که در کتابخانه ملی ایران موجود است و در این کتاب
 در باب دوم در بیان تاریخ و احوال و در بیان این کتاب که در کتابخانه ملی ایران موجود است و در این کتاب
 در باب سوم در بیان تاریخ و احوال و در بیان این کتاب که در کتابخانه ملی ایران موجود است و در این کتاب
 در باب چهارم در بیان تاریخ و احوال و در بیان این کتاب که در کتابخانه ملی ایران موجود است و در این کتاب
 در باب پنجم در بیان تاریخ و احوال و در بیان این کتاب که در کتابخانه ملی ایران موجود است و در این کتاب
 در باب ششم در بیان تاریخ و احوال و در بیان این کتاب که در کتابخانه ملی ایران موجود است و در این کتاب
 در باب هفتم در بیان تاریخ و احوال و در بیان این کتاب که در کتابخانه ملی ایران موجود است و در این کتاب
 در باب هشتم در بیان تاریخ و احوال و در بیان این کتاب که در کتابخانه ملی ایران موجود است و در این کتاب
 در باب نهم در بیان تاریخ و احوال و در بیان این کتاب که در کتابخانه ملی ایران موجود است و در این کتاب
 در باب دهم در بیان تاریخ و احوال و در بیان این کتاب که در کتابخانه ملی ایران موجود است و در این کتاب

تاریخ: ۱۳ شهریور ۱۳۲۶	تاریخ: ۱۳ شهریور ۱۳۲۶
ممنوع: رضوانی بن طهران	ممنوع: رضوانی بن طهران

